

آداب سفارت و سفیر پذیری در دوره صفویه

مهدی زمانی^۱

چکیده

در عصر صفویه انبوهی از سفرنامه‌ها از سوی سفیران و جهانگردان خارجی که به ایران سفر کردند، نگارش یافت. مطالب این سفرنامه‌ها، بیانگر روایت و زاویه دید نگارندگان آنها به ایران و مردم آن است. در این پژوهش کوشش شده است، به این پرسش پاسخ داده شود که سفرنامه نویسان این دوره چه روایتی از مهمان داری و سفیر پذیری ایرانیان ارائه کرده‌اند؟ بر اساس یافته‌های تحقیق، عموم روایتگران به مهمان نوازی ایرانیان از بدو ورودشان به ایران اشاره کرده‌اند، آنها همچنین چگونگی حضورشان در دربار صفوی را روایت کرده‌اند. در این روایت‌ها نقش صاحب منصبان درباری در رسیدگی به امور سفرا درخور توجه است که به ترتیب مهماندار باشی، ایشیک آغاسی، تفنگ‌دارباشی، ناظر و وقایع‌نویس با آنها در ارتباط بودند. همچنین از میان اطلاعات و روایت‌های آنها، می‌توان جایگاه آنها را در نظام قضایی ایران و برخورد شاه با آنان دید. روش تحقیق توصیفی تحلیلی با تکیه بر داده‌های تاریخی است.

واژگان کلیدی: سفرنامه، سفیر، جهانگرد، سفارت، صفویه

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

امروزه در پایتخت هر کشوری، سفارتخانه‌های کشورهای دیگر، حضور و فعالیت دائمی دارند، و کارکنان هر سفارتخانه از مهمان نوازی کشور میزبان برخوردارند و در چهارچوب مقررات بین المللی خاصی، عهده‌دار تنظیم روابط سیاسی و حفظ منافع کشور خویش هستند. اما در قرون گذشته چنین نبوده است. بلکه در مواقع لازم و ضروری پادشاه، سفیری را برای انجام مأموریت معینی به دربار پادشاه کشور دیگری می‌فرستاد. نحوه مسافرت و انجام مأموریت سفیران و تشریفات استقبال متناسب با سیاست روز و درجه و مقام هر سفیر تغییر می‌کرد. در ایران از دوره ساسانی پذیرفتن سفیر مرسوم بوده است. (ریاحی، ۱۳۶۸: ۱۰) در شاهنامه به جای واژه سفیر، از «فرسته» و «فرستاده» استفاده شده است. در دوره اسلامی و در عهد سلاطین ترک تبار غزنوی و سلجوقی تعبیر رسول به کار رفته است. (بیگدلو و وجدانی، ۱۳۹۳: ۶) خواجه نظام الملک در سیاستنامه در فصل بیست و یکم با این عنوان «اندر معنی احوال رسولان، و ترتیب کار ایشان» چگونگی پذیرفتن سفیر به ایران و فرستادن سفیر از ایران به دیگر کشورها توضیحاتی داده است. (نظام الملک، ۱۳۴۰: ۱۲۰-۱۲۴) دوران صفوی، دوران رواج و رونق سفر سیاحان و جهانگردان به ایران است و جهشی که در این دوران در این زمینه صورت گرفت، موجب گشت سیاحت اروپاییان به ایران مورد توجه قرار گیرد و در ادوار بعد (یعنی در زمان افشاریه و زندیه و بعداً در زمان قاجاریه) استمرار یابد و به اوج خود برسد، به طوری که اکثر سفرنامه‌هایی که درباره‌ی ایران نوشته شده، مربوط به دوران صفویه و بعد آن است. سفرنامه نویسان در هر دوره به مطالبی اشاره می‌کنند که برای مردم جامعه‌ی مورد نظر آن‌ها، بسیار

عادی و پیش پا افتاده هستند و همچنین محدودیت‌های کمتری برای ارائه‌ی تصویر واقعی از جامعه دارند، از این رو سفرنامه‌ها منبع درخور توجهی برای بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید. تا در دوره پیشامدرن تفاوتی میان سفرنامه، خودزیست نامه نویسی، مردم نگاری، طبیعت نگاری و داستان‌های تخیلی وجود نداشت و همه آنها ذیل سفرنامه نویسی تعریف شده‌اند، در این میان تامپسون در کتابش تحولات معنایی مفهوم سفرنامه نویسی را بررسی کرده است. (تامپسون، ۱۳۹۶: ص ۲۱) در این پژوهش، به مفاهیم جدید و تفاوت‌هایی که میان انواع سفرنامه وجود دارد، در نظر گرفته نشد است چرا که تمامی اینها تقریباً در دوران پیشامدرن نگارش یافته‌اند.

در عصر صفوی متقابلاً سیر و سفر ایرانیان به کشورهای اروپایی نیز توسعه یافت. سفر به دیگر سرزمین‌ها قبل از دوران صفوی بیشتر به منظور تجارت و بازرگانی و به ندرت برای گسترش روابط با دیگر ممالک صورت می‌گرفت و سفر بازرگانان نیز معمولاً با سفرنامه‌نویسی همراه نبود و مأموران دولتی اعزامی هم کم‌تر رغبت بدین کار داشتند. از دوران صفوی به بعد، نوشتن سفرنامه توسط ایرانیان نیز بسیار پررونق شد، به نحوی که بیش‌ترین تعداد سفرنامه‌های ایرانیان که از دیگر ممالک جهان دیدار کرده‌اند، مربوط به دوران صفوی تا حال است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که حضور سفرای اروپایی در ایران، چند سالی پیش از شاه اسماعیل اول آغاز شد. اروپائیان که شاهد توسعه‌طلبی‌های دولت عثمانی بودند، کوشیدند با ایران روابط صمیمانه برقرار کنند و ایران را تقویت کنند تا نیرومندترین مخالف عثمانی در منطقه‌ی خاورمیانه به مقابله با این دولت برخیزد. (فاروقی، ۱۳۶۱: ص ۴۲) برای این منظور، صفویان، هم از قدرت

ملی و هم از قدرت مذهبی ایرانیان بهره جستند و نیز به جهت نیاز به تثبیت قدرت خود در منطقه، سیاستی مسالمت آمیز با اروپاییان داشتند. از دوره صفویه اطلاعات کافی از وضع هیئت‌های سفارت‌های خارجی در ایران به واسطه سفرنامه‌های فراوانی که از سفیران یا همراهان آنها و دیگر جهانگردان خارجی از آن دوره در دست است، جزئیات مسافرت سفیران و نحوه پذیرایی از آنها وجود دارد. در این پژوهش با بررسی بیش از ۱۵ سفرنامه عصر صفوی و روایت‌های آنان از مواجهه با آنان و سفیر پذیری، سعی شده است وجوه اشتراک و افتراق این سفرنامه‌ها استخراج شود. در این مقاله به ترتیب روایت سفرنامه نویسان از بدو ورودشان به ایران تا حضور در دربار بررسی می‌شود.

۱. نحوه برخورد با سفرا و نمایندگان در هنگام ورود به مرزهای ایران

بر اساس روایت‌هایی که از سفرنامه نویسان باقی است، چنین برداشت می‌شود که به محض ورود سفرا یا جهانگردان سرشناس به ایران، پذیرایی رسمی (حکومتی) و غیر رسمی (مردمی) از آنان به عمل آمده است. سانسون از پذیرایی با شکوه شاه از سفیران و فرستادگان خارجی می‌گوید: « به مجردی که اینها به مرزهای کشور برسند و با نخستین حاکم کشور تماس حاصل کنند او را مطلع می‌سازند که از سوی فلان پادشاه، حامل پیامی برای پادشاه ایران هستند. وی فوراً اسبهای خوب برای سواری آنها و به اندازه کافی شتر و قاطر برای حمل بار و بنه آنها آماده می‌سازند. و عده ای را به مهمانداری و راهنمایی آنها بر می‌گمارد و شاه را از وصولشان آگاه

می‌سازد سپس یکی از امرای معتبر خود را به مهمانداری آنها تعیین می‌نمایند و فرمان می‌دهد تا با آنها همراهی نماید و در همه جا آنچه مورد لزوم ایشان است آماده کنند. (سانسون، ۶۲)

یان اسمیت سفیر هلند در دوره شاه عباس می‌گوید که در هنگام ورود حاکم محلی «سلطان» به استقبالش رفت. (فلور، ۲۵۳۶: ۷۵) و حاکمان محلی مقداری هدایا و وسایل سفر برای رسیدن به پایتخت در اختیار سفیر قرار می‌دادند: «سلطان برای حمل هدایا و وسائل ما چند شتر و اسب بارکش در اختیارمان گذاشت و یکنفر راهنما هم برای هدایت ما بجلو فرستاد. گروه ما متشکل از ۸ هلندی و ۹ نفر مسلمان که نگهداری ۱۵ اسب همراه ما را بعهدہ داشتند» (همان، ص ۷۳) و در مسیر به هر شهری می‌رسیدند با استقبال حکام محلی و شلیک چند توپ از سوی تفنگچی‌ها مواجه می‌شدند. (همان، ۷۴؛ Herbert, 1928: 50) اولناریوس نیز می‌گوید هنگامی که به اردبیل رسیده است عده ای سوار که لباس‌های اونیفورم و مرتبی پوشیده بودند با استقبال آمده و پس از ادای احترام و سلام، جلوی آنها به عنوان اسکورت اسب راندند. (اولناریوس، ج ۲، ۱۳۷۹: ۴۸۱) بنا به گزارش وی، عده‌ای نیز از پایتخت برای خوشامد گویی به سفیران تازه وارد، به اردبیل آمدند. (همان، ۴۸۷)

همچنین احترام به سفرا از سوی مردم از همان بدو ورود آنان به سرحدات ایران شروع می‌شد. (برادران شرلی، ۱۳۶۲: ص ۷۰) پیتر دلواله نیز از مهمان پذیری ایرانیان در حین ورود به ایران سخن می‌گوید. (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۳) افزون بر این دلواله می‌گوید نوکران روحانیون مسیحی مقیم اصفهان، پیش از ورود او به اصفهان، به دیدار او رفته و به استقبالش شتافتند. (دلواله، ۱۳۷۰: ۳۲-۳۳) که نشان از دریافتن هم کیشان خود دارد.

در قلمرو عثمانی‌ها رسم بود مخارج سفیر و تأمین محل اقامت او و همراهان از ورود به مرز، با کشور میزبان باشد، آنها این مخارج را تعیینات می‌نامیدند و تا سال ۱۲۰۸ ق که به موجب فرمان سلطان تعیینات موقوف شد، این ترتیب درباره سفیرانی که به آن مملکت می‌آمدند برقرار بود و طبعاً روابط متقابل حکم می‌کرد که به همین نحو در کشورهای دیگر هم از هیئت‌های آنها پذیرایی شود. (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۲-۲۳) وقتی در نظر گرفته شود که سفیر، کاروان انبوهی مرکب از چند صد تن همراه داشت می‌توان دریافت چه هزینه گزافی برای کشور میزبان و ساکنان نواحی مسیر داشت. مهدی قلی خان چاوشلو سفیر شاه عباس که در ۹۹۸ وارد استانبول شد، هزار سوار قزلباش همراه داشت و از جمله هدایا ۱۵۰۰ اسب با خود برده بود. (همان)

۲. سفرا هنگام حضور نزد پادشاه و نحوه برخورد با آنها

پس از اینکه سفیر به پایتخت صفویان می‌رسید، پس از چند روز، با تاریخی که از سوی مهماندار باشی به اطلاع او می‌رسید، به حضور شاه شرفیاب می‌شد. با این حال، معدود مواردی نیز بود که سفیر از سوی شاه معطل می‌ماند که علت آن نیز بیش از هر چیزی به تیرگی روابط دو کشور باز می‌گشت.

آنتونی جنکینسون، از سوی ملکه الیزابت عازم ایران شده بود در ۲۰ نوامبر ۱۵۶۲م/ برای برقراری رابطه تجاری با شاه طهماسب دیدار کرد. اما شاه طهماسب برخورد خوبی با او نداشت

چرا که در همان زمان شاهزاده بایزید را به عثمانی‌ها تحویل داد و با آنان قرار داد صلح امضاء کرد و تحت تأثیر بازرگانان عثمانی قرار گرفت و جنکینسون را پس از دیدار کوتاهی از دربارش اخراج کرد. با این حال با میانجی گری عبدالله خان استاجلو که پیشتر در شماخی با جنکینسون دیدار کرده بود، میانجی گری کرد و خلعتی از شاه برای او دریافت داشت. (جنکینسون، ۱۳۹۶: ۹۷، ۱۰۵-۱۱۲)

شاه طهماسب که تعصبات مذهبی داشت، برای ورود جنکینسون به دربارش مقررات خاصی وضع کرده بود از جمله اینکه بدون کفش مخصوصی که جلوی دروازه دربار برای او گذاشتند، اجازه ورود نداشت و تنها مترجمش به همراه او به دیدار شاه رفت. (جنکینسون، ۱۳۹۶: ۱۰۸)

با وجود این ناکامی، سومین گروه از بازرگانان انگلیسی به ریاست آرتور ادواردز، بالاخره توانستند امتیازات قابل توجهی از ایران دریافت کنند. آنان با کمک دو تن از اطرافیان عبدالله خان استاجلو در ۲۰ ژوئن ۱۵۶۶ با شاه طهماسب دیدار کردند و موقعیت کمپانی مسکوی در ایران مستحکم شد. روایت ادواردز از دیدار با شاه طهماسب تعجب بر انگیز است، چرا که با روایتی که جنکینسون از دیدارش با شاه طهماسب داشت و تعصبات مذهبی که در دربار ایران بود و نحوه رفتاری که شاه با او داشت و هیچ سوال و جوابی به جز پرسش از دینش نداشت، چنین تصویری می‌رود که شاه با ادواردز انگلیسی نیز چنین برخوردی داشته باشد اما در این دیدار شاه رفتار دیگری داشت. ادواردز در این باره می‌نویسد: «دو ساعت با اعلیحضرت گفتگو کردم. دو بار از من خواست به او نزدیکتر شوم. پرسید: چه خواسته‌هایی داری؟ سخنانم را شنید و قول داد در این مورد فرمان ملوکانه صادر کند. بعداً دوباره از من خواست نزدیک تر شوم. در

مورد علیاحضرت ملکه پرس و جو کرد. می‌خواست بداند چه کالایی داریم و قصد داریم چه کالایی خریداری کنیم. سپس، در مورد کشورهای همسایه ما و کالاهایشان سوال پرسید...» (ادواردز، ۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۴۴) اما ادواردز به این نکته هم اشاره می‌کند که برای آن مردم که از دین ما اطلاع داشتند عجیب بود که اعلیحضرت با من گفتگویی طولانی داشته باشد». (همان)

میکائیل ممبره ایتالیایی حامل نامه ای از حکومت ونیز برای شاه طهماسب بود. روایت او از سال ۱۵۳۹ درباره محیط درباره صفوی است. وی درباره دیدارش با شاه طهماسب به پرسش و پاسخ‌هایی که بین آنها رد و بدل شده است اشاره می‌کند و اینکه در پایان دیدارش، شاه دستور می‌دهد به او خلعتی بدهند. (سه سفرنامه، ۱۳۹۳: ۲۱۲) در دومین حضور او در دربار، شاه از او درباره حکومت ونیز و تمام کشورهای فرنگ سوال می‌کند. (همان، ص ۲۲۰) همچنین بنا به روایت ممبره، وی در تمام مدتی که در تبریز بود در خانه‌های اُمرا و اعیان سپری کرد چرا که «دولتمردان هیچ چیزی از کشورهای اروپایی نمی‌دانستند و شنیدن در آن باره را خیلی دوست داشتند». (همان، ۲۲۶) بازگشت ممبره موکول شده بود به همراهی یک سفیر ایرانی که شاه دستور داده بود. (همان، ۲۳۵)

روایت فن دریابل از شاه عباس در تبریز قابل تأمل است. وی می‌گوید هنگامی که به کاخ شاه وارد شدم به سبب اینکه او هم مثل بقیه به روی زمین نشسته بود و مترجمی هم کنار او نبود شناختم تا اینکه یک پیرمرد مرا نزد شاه برد. وی از دو رسم که قبل از شرفیابی نزد شاه به او یاد داده شده بود می‌گوید: یکی تعظیم کردن و دیگری بوسیدن دست او. (فن دریابل، ۱۳۵۱:

۵۲ - ۵۳) وی همچنین هنگام شرح این رفتار ایرانیان که هنگام غذا خوردن با مسیحیان هم غذا نمی شوند، به این موضوع اشاره دارد که شاه امر کرده بود که با من بخورند و بیاشامند و وی بیش از بیست بار با اعلیحضرت غذا خورده بود. (همان، ۶۳) در نهایت شاه عباس مهدی قلی بیگ را نیز بعنوان سفیر به همراه فن دریابل راهی دربار تزار روس و امپراتور آلمان کرد. (همان، ۶۶)

در مذاکرات میان شاه عباس و سفیر اسپانیا، شاه عباس با دو درخواست وی یعنی بازپس دادن آنچه از قلمرو هرمز تصرف کرده بود و محروم ساختن انگلیسی‌ها و دیگر خارجیان از تجارت ایران، مخالفت کرد. (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۵)

شاه عباس، میان سفیران تفاوت و تبعیض قائل می‌شد. چنانکه سفیر اسپانیا، فیگوئرا را بیش از سایرین تکریم می‌کرد چرا که او سفیر بزرگترین «شاه فرنگستان» بود و در چند مورد که سفیر از مهمانی خسته شده بود با اجازه شاه از مهمانی خارج شده و جلسه را ترک می‌گفت. (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۳۴-۳۴۲) اوج این تبعیض را در برخورد با برداران شرلی می‌توان دید. این دو در دربار ایران سمت‌هایی به دست آوردند، آنتونی سفارت ایران را در اروپا به دست آورد و رابرت فرمانده قسطنطنیه از سپاه قزلباش شد و به جنگ عثمانی‌ها رفت و پس از جنگ، شاه به او اجازه داد لباس ایرانی بپوشد و با دختر یکی از بازرگانان چرکسی موسوم به اسماعیل خان ازدواج کند. (فاروقی، ۱۳۶۱: ۴۳) سی سال بعد از آنکه آنتونی شرلی به ایران آمد، استودارت انگلیسی دیگری بود که به ایران سفر کرد، قسمت اعظم سفرنامه او از میان رفته است، با این حال بخشی از یادداشت‌های او در هنگام رسیدنش به پایتخت ایران موجود است و وی از روستاها و

آبادی‌های اطراف اصفهان روایت کرده و نحوه پذیرایی از خود را شرح داده است. هدف وی از این سفر ایجاد روابط بازرگانی میان ایران و انگلستان بود. (فرهنگ ایران زمین، ج ۸، ۱۳۳۹: صص ۱۹۰ - ۲۲۰)

برخی از سفرا به همراه خود افرادی را نزد شاه می‌بردند برای نمونه سفیر پرتغال هنگام شرفیابی نزد سلطان حسین، چند تن از روحانیون کاتولیک و نیز افراد عادی فرانسوی و انگلیسی او را همراهی می‌کردند. (اوبن، ۲۵۳۷: ۲۰)

فدت کاتف، بازرگان روسی بود. وی در شرح آداب و رسوم و اعیاد ایرانیان، هنگامی که از عید قربان یاد می‌کند، به حضور سفیران و بازرگانان دولت‌های دیگر در کنار اطرافیان شاه اشاره می‌کند که برای برگزاری مراسم خاص قربانی کردن شتر اجتماع کرده اند. (کاتف، ۲۵۳۶: ۷۹)

تاورنیه می‌گوید هنگامی که برای بار ششم می‌خواستیم به دیدار شاه و دربارش بروم، پیشکار خانه شاه، رئیس ارمنیان به نام کلانتر را با هفت یا هشت نفر از روسای آنان برای تبریک ورود من فرستاد و آمادگی خود را برای هر گونه خدمتی که بخواهم عرضه داشت. وی در اینجا هدف از این محبت ارمنیان را این می‌داند که آنها می‌خواستند در هنگام شرفیابی او، هم داخل دربار شوند و آن چیزهایی را که او آورده است به نفع خود از آن استفاده کنند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۲۳) وی در آخرین سفرش به ایران، تمامی آنچه از جواهرات به ایران برده بود، برای شاه به نمایش گذاشت و پس از چند روز ناظر به تاورنیه اطلاع داد که شاه تمامی جواهرات را از او خریداری کرده و حتی می‌خواهد خلعت یا جبّه کاملی به او بدهد که آن را چون افتخاری بزرگ به خانها یا حکام ایالات می‌دهند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

بر اساس روایت کمپر ، در دربار صفوی در دوره شاه سلیمان خزانه ای مخصوص «گذران و معیشت» سفرای خارجی وجود داشته است. (سفرنامه کمپفر، ۱۳۶۳: ص ۶۴) کمپفر همچنین مدعی است شاه سلیمان هنگامی که سفرای خارجی حضور داشتند، همه چیز را تحسین و تمجید می‌کرد، اما در باقی موارد در خرید اجناس جهانگردان خست به خرج می‌داد. (همان، ص ۶۰) سفرای دربار پادشاهان خارجی نیز از طرف شاه خلعت می‌گیرند. (همان، ص ۸۱) همچنین کروسینسکی مبلغ مذهبی از نپذیرفتن سفیر پادشاه روس در دربار سلطان حسین می‌گوید. این فرستاده به نام اسرائیل آری بود که از طریق شماخی در سال ۱۷۰۸/۱۱۲۰ عازم دربار صفوی بود. (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۳۶)

۳. تشریفات درباری سفرا و نقش صاحب منصبان در این زمینه

سفیران و جهانگردان خارجی هنگام حضور در پایتخت هم به آنها خدمات و مزایایی داده می‌شد و هم خدمات و امتیازهایی ارائه می‌کردند. از جمله صاحب منصبانی که با سفیر در ارتباط بودند، مهماندار باشی، کلانتر، تفنگ دار باشی، یساولان صحبت، ناظر و ایشیک آغاسی بودند.

مهماندار باشی عصر شاه سلیمان از نظر کمپفر چنین وظایفی داشت: «وی موظف است که میهمانان شاه و سفرای پادشاهان خارجی را با همراهانشان پذیرایی کند، وسیله معیشت و زندگی آنها را فراهم آورد، حمایتشان کند و با آنها رفتاری توأم با ادب و احترام داشته باشد. وی

خواهش‌های میهمانان را به اطلاع وزیر اعظم می‌رساند؛ در ضیافت‌ها آنها را از منزلشان به دربار و در بازگشت از دربار دوباره به منزلشان هدایت می‌کند. هنگامی که سفرا به موطن خود باز می‌گردند وی اجازهٔ مرخصی شاه را به اطلاعشان می‌رساند و اصولاً می‌کوشد که مدت اقامت آنها را در دربار سهل و مطبوع سازد». (همان، ص ۱۰۲ - ۱۰۳) سانسون نیز خصوصیات ظاهری مهماندار باشی را به تصویر می‌کشد: «مهماندار باشی یا معرفی کننده سفرا همواره نزدیک شاه است و عصای مخصوص خود را که بر آن تکیه می‌زند به دست دارد. وی تاج معروف قزلباس را که کلاه بزرگ زر دوزی شده ای است بر سر می‌گذارد. (سفرنامه سانسون، ۱۳۷۷:۳۴) فیدالگو سفیر پرتغال که برای ترغیب جنگ ایران با اعراب به ایران آمده بود، از مهماندار باشی دربار یاد می‌کند که به استقبال او آمد و از او اسامی مهمانان را برای تهیه مکان درخواست کرد. (فیدالگو، ۱۳۵۷: ۴۶-۵۹)

شاردن درباره مهمان دار باشی می‌گوید: «وظیفه وی آماده کردن کلیه وسایل پذیرایی سفیران و نمایندگان و فرستادگان کشورهای بیگانه است. وی باید هنگام نزدیک شدن سفیر یا نماینده کشورهای خارجی به پایتخت، به پیشباز وی برود و او را به حرمت مام به خانه ای که قبلاً برای اقامتش آماده شده راهنمایی کند. مهمان داری خاص به خدمت کردن وی گمارد و اگر اجازه تشریف به حضور شاه یافته باشد در وقتی که قبلاً پیش بینی شده وی را به این سعادت نائل کند. زود به زود به دیدارش برود و با گشاده رویی و سرعت عمل نیازمندی هایش را فراهم آورد و پیامهایش را به شاه و وزیران برساند. به ساکنان محلی که سفیر در آنجا خانه دارد مؤکداً توصیه می‌کند که در تمام موارد و در همه گذرگاه‌ها از حرمت گزاری نسبت به سفیر غفلت نورزند و همراهانش را به هیچ بهانه نرنجانند». (شاردن، ۸۲۷)

جزئیات پذیرایی از سفیران هنگام رسیدن آنان به پایتخت از سوی سانسون چنین بیان شده است: «همین که به شهر محل اقامت پادشاه رسیدند، راهنما آنها را به خانه‌ای در اطراف شهر فرود می‌آورد و خود برای عرض گزارش به نزد پادشاه می‌رود بلافاصله شاه فرمان می‌دهد تا آنان را در عداد میهمانان دربار قلمداد کنند و معرفی کننده سفرا را فرمان می‌دهد تا آنان را در منزلی راحت و مناسب و با اثاثه قیمتی فرود آورد و از جانب وی از آنان تفقد کند و با احترامات شایان آنان را به موقع معرفی نماید. . . برای جلوگیری از پیشامد سوء و یا بی احترامی نسبت به آنها عده ای نگهبان به پاسداری آنها می‌گمارد و برای مدت یک ماه کلیه حواجج و لوازم زندگی آنها را در اختیارشان می‌گذارد و هر چقدر مدت اقامت آنان به طول انجامد باز همین ترتیب ماهانه ادامه پیدا می‌کند. همچنان در همه جشن‌ها و پذیرایی‌های عمومی وی آنان را با خود همراه می‌برد و در این قبیل مجالس و مراسم همیشه محل‌های مخصوصی برای سفرا و حاشیه آنان تعیین می‌گردد. از این گذشته در هر جا آمد و رفت کنند همواره مورد اعزاز و اکرام قرار می‌گیرند و نظر به کمال علاقه و محبت و عطوفتی که شاه نسبت به هر یک از مهمانان خود دارد اگر ناملایمی به آنها برسد یا موجب عدم رضایت آنها فراهم گردد، آزرده خواهد شد. (سانسون، ص ۶۲ - ۶۳)

فیگوترا می‌گوید رسم درباره چنین بوده است که مهماندار به هنگام ورود سفیر جدید، به حضور او می‌رفته و به او اطلاع می‌داده که شاه در چه تاریخی او را به حضور خواهد پذیرفت. هدایایی را نیز که سفیر با خود به همراه آورده بود در همان دیدار و در جلو سفیر حرکت می‌دادند. (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ص ۲۶۲) گویا حقوقی نیز برای سفرا در پایتخت تعیین می‌شد. (فلور، ۲۵۳۶:

۷۸) در ماه رمضان تشریفات مرسوم معرفی سفیر به شاه اجرا نمی شد و در عوض بزرگان دربار به ملاقات سفیر می رفتند و پیام شادی شاه را به او می رساندند. (فلور، ۲۵۳۶: ۷۸) از روایت جملی کارری، جهانگرد ایتالیایی که در اواخر دوران صفویه به ایران سفر کرد، می توان دریافت یکی از وظایف مهماندار این بود که هنگام دیدار سفرا و نمایندگان دولت های دیگر، آنان را مجبور می کرد «آستان شاهی» و «تخت شاهی» را هنگام ورود ببوسند. چنانکه او روایت می کند نمایندگان لهستان و پاپ هنگام ورود به تالار برای دیدار سلطان حسین چنین رفتاری با آنها شد. (سفرنامه جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۳)

ایشیک آغاسی باشی از دیگر صاحب منصبانی بود که مرتبط با سفیران بود. یان اسمیت می گوید ایشیک آغاسی باشی واسطه تبادل نطق های تشریفاتی و سوال و جواب بین او و شاه صفی شد. (فلور، ۲۵۳۶: ۷۹) سفرا از هدایایی که از طرف شاه دریافت می داشتند موظف بودند که هزینه ای به ایشیک آغاسی باشی و باقی مسئولان انبارها که هدایا را از آن بیرون آورده اند، بپردازند. (شاردن، ۱۳۳۸: ۸۲۴) سفیر عثمانی از نقش ایشیک آغاسی در رابطه میان سفیران و شاه در زمان حضورهای رسمی در دربار می گوید: «شاه به من امر فرمود و گفت: بنشینید. من ادب به خرج دادم و ننشستم. دومین بار امر فرمود، باز هم ننشستم. این بار ایشیک آغاسی باشی بازویم را گرفت و به زور نشانید.» (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۳۷۴)

تاورنیه نیز از تفاوت میان برگزاری مراسم تشریفات برای سفیران کشورهای مختلف به مناسبت میزان عظمت کشور آن سفیر روایت می کند. وی می گوید هنگامی که شاه سفیر ازبک را بار داد، نه اسب نمایشی برای جلال و شکوه آورده بودند. اگر سفیر پادشاهی بزرگتر از خان تاتار

باشد و شاه ایران احترام بیشتری برایش قائل باشد تا سی اسب آورده خواهد شد، زیرا بر حسب بزرگی شاهی که سفیر می‌فرستد در پذیرایی از این سفیر، اسبان نمایشی کمتر یا بیشتری به میدان می‌آورند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۳۰)

شاردن از نقش پر رنگ تفنگ دار باشی در زمان شاه صفی می‌گوید و اینکه او تنها کسی بود که می‌توانست برای سفیر اجازه شرفیابی بگیرد و شاه درباره کلیه امور با وی مشورت می‌کرد. (شاردن، ۱۳۳۸: ۴۲) وی در بیان تشریفات شرفیابی می‌گوید: سفیر و همراهانش چون تا دو قدمی شاه پیش رفتند، چنانکه آیین ایرانیان است سه بار زمین را بوسه دادند و بدین سان احترام‌گزاری را بجا آوردند. (همان، ۴۳)

در برخی موارد که روابط میان ایران و کشور دیگر تیره بود، معمولاً با معطل نگه داشتن بیش از حد سفیر در پایتخت برای تشرف به دربار، که نوعی توهین به آن کشور محسوب می‌شد، همراه بود. برای نمونه سفیر اورنگ زیب پادشاه هند به ایران مدت ۹ ماه برای دیدار با شاه در اصفهان معطل ماند. (شاردن، ۱۳۳۸: ۶۱ و ۸۶۴)

پس از بار یافتن هر سفیر به حضور شاه کلیه اسناد و درخواستهای او در مجلس ضیافتی که صدراعظم به افتخار او تشکیل می‌دهد به دقت مورد مطالعه و مذاکره قرار می‌گیرد و اگر در جلسه اول مذاکرات به توافق نینجامید در جلسه بعد گفتگو با حضور مهمان دار اعظم و مترجم یا منشی سفیر تا حصول نتیجه دنبال می‌شود. وقتی این مقدمات پایان یافت دربار جواب رسمی را با خلعت برای سفیر می‌فرستد، و وی هنگامی که برای کسب اجازه مرخصی به حضور

شاه مشرف می‌شود باید خلعت را بر تن داشته باشد. (شاردن، ۱۳۳۸: ۸۶۷)

وقایع نویسن: شاردن هنگام توصیف سازمان‌های سیاسی و نظامی ایران، از این مقام نام می‌برد و یکی از وظایف او را چنین بیان می‌کند: «وزیر چپ یا وقایع نویسن اصلی موقع و مقامی ممتاز دارد. زیرا دربار به هنگام بروز وقایع مهم در انتخاب طریق مقابله با آن پیش آمدها با وی مشورت می‌کند و نیز در مواردی اظهار نظر می‌نماید که با سفیران و فرستادگان ممالک بیگانه چگونه باید گفتگو و رفتار کرد، و برای انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای دوست باید چه روشی در پیش گرفت، و چه موادی در قراردادها گنجانند. از این رو تمام فرستادگان و مأموران خارجی که وارد کشور می‌شوند با او دیدار و گفتگو می‌کنند».(شاردن، ۱۳۳۸: ۸۲۰)

«ناظر» که به گفته شاردن نخستین و مهم‌ترین شغل‌های دربار بود، یکی از وظایفش پرداختن هزینه پذیرایی سفیران در بدو ورود به کشور بود. او همچنین موظف بود برای سکونت آنان محل مناسبی را در نظر بگیرد و درباره انتخاب هدایایی که از طرف شاه به ایشان داده می‌شد، مشارکت کند.(شاردن، ۱۳۳۸: ۸۲۰) تاورنیه اشاره ای به دستبوسی شاه در ملاقات هایش نکرده است و تنها اشاره می‌کند که ناظر او را مجبور به احترام، تعظیم و کرنش می‌کرد.(تاورنیه ، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

یساولان صحبت هنگام شرفیابی سفیران و نمایندگان کشورهای خارجی به پیشباز آنها می‌روند و آنان را به حضور شاه راهنمایی می‌کنند و هدایای آنان را از نظر شاه می‌گذرانند. (شاردن، ۱۳۳۸: ۸۲۵)

سفرای مقیم دربار و اتباع خارجی همچنین برای رسیدگی به دعاوی مدنی و جزائی خود تنها به دیوان بیگی یا محکمه عالی رجوع می‌کنند و از حضور در دادگاه قاضی شرع معاف بودند. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۹)

اگر میهمانش سفیر یکی از کشورهای اروپایی بود، چون به شراب خواری و خوشگذرانی عادت داشت کسی را به میهمان داری و خدمتش می‌گماردند که خشک و متعصب نباشد و از باده گساری و عشرت جویی پرهیز نکند. به سخن دیگر قیود مذهبی وی را به احتیاط برنینگیزد. سه و نیم درصد بهای هدایایی که سفیر خارجی به شاه تقدیم می‌کند به پاداش خدمات شایانی که میهمان دار کرده متعلق به اوب بود.

پیشکش نویس نیز وظیفه دارد صورت هدایای سفیر یا نماینده یا شخصیت دیگری فرستاده باشد پیش از آنکه از نظر شاه بگذراند در دفتر ثبت کند. (همان، ۸۲۸)

مخارج خواربار و غذای سفیران، و هزینه وسایل حمل و نقل آنان به عهده ساکنان محلی است که سفیر از آنجا می‌گذرد که تحت عنوان مالیات دیوان از آنان گرفته می‌شود. (شاردن، ۱۳۳۸: ۸۳۸) همچنین سفیران در مجالس باده نوشی، پس از شاه نوبت باده نوشی آنان بود. (همان، ۸۵۷) وی همچنین می‌گوید هنگام پذیرایی سفیران و فرستادگان کشورهای بیگانه، دربار ایران تجملات بی نظیر خود را نشان می‌داد. ایرانیان سفیر را ایلچی می‌نامند. (همان، ۸۶۳)

رسم دربار ایران بر این است که به منظور نمایاندن شوکت و شکوه و جلال خود مدتی سفیران را در انتظار تشریف به حضور شاه ناشکیبا نگه می‌دارد و با این که به کمال اشتیاق ایشان آگاه

است بدین کار تمایلی نشان نمی دهد. این نیر رسم است که سفیران پیش از شرفیابی به حضور شاه اجازه ندارند از خانه ای که در آن ساکنند بیرون شوند، و بنابراین می توان آنان را زندانی دولت نامید. ایرانیان بر این باورند که اعمال این رسم نشان گرامی داشت و حرمت گذاری به سفیر است و اگر پس از مدتی کوتاه تشریفات شرفیابی سفیر به حضور شاه فراهم شود سفیر گمان می برد که دولت از پذیرایی وی خسته شده است. در این مدت که سفیر منتظر شرف یابی است دربار به وسیله مهمان دار از قصد و هدف سفیر اطلاع می یابد تا هم شرایط پذیرایی را با مقاصدش مطابقت دهد و هم مضمون و مفاد جوابی را را باید به او داده شود آماده کند. (شاردن، ۱۳۳۸: ۸۶۲ و ۸۶۳)

نتیجه

از خلال روایت‌های سفرنامه نویسان این دوره می‌توان چنین گفت که در عصر صفوی، سیاست منظم و به تعبیری قانونمندی در مواجهه با سفیران و گردشگران خارجی برقرار بود. اثرات این ضوابط هم در تشریفات دیپلماتیک و هم در شیوه‌های مذاکره قابل رویت است. واقع‌گرایی در سیاست خارجی به جز یک مورد که آن هم برخورد شاه طهماسب با آنتونی جنکینز انگلیسی صورت گرفت، در سراسر عصر صفوی اجرا شد. البته قانون‌گرایی به معنای امروزی و بعد از وقایع مدرنیته در اروپا مد نظر نیست، بلکه صرفاً قانون در معنای عام و پیشامدرن آن موردتوجه است. شاه عباس از میان شاهان صفوی، بیشترین نقش را در پذیرفتن و فرستادن سفیر داشت. از تشریفات سنگین و پر خرج دربار صفوی چنین برداشت می‌شود که آنان با هدف نشان دادن جاه و جلال عظمت دربارشان به سفیران بودند. برخی از سفیران چنین برداشت می‌کردند که این رفتار از غرور شخص شاه نشأت می‌گیرد. از میان صاحب‌منصبان دربار که با سفیر در ارتباط بودند، آنچه از روایت‌های سفیران و گردشگران دریافت می‌شود، مهمان‌دار باشی بیش از سایر صاحب‌منصبان درگیر کارهای سفیر و همراهان او بوده است. در مرتبه بعدی، ایشیک آغاسی باشی، ناظر و دیگران قرار داشتند.

منابع

اولئاریوس، آدام. (۱۳۷۹) *اصفهان خونین شاه صفی «سفرنامه»*، ترجمه حسین کردبچه، تهران: هیرمند.

بیگدلو، محمد؛ وجدانی، فریده. (۱۳۹۳) «گزینش، پذیرش و ویژگی‌های فرستاده (سفیر) در شاهنامه فردوسی، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار، ش ۳۲.

تامپسون، کارل. (۱۳۹۶) *سفرنامه نویسی نگاهی به تحولات سفرنامه نویسی در غرب*، ترجمه سعیده زادقناد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر ارتباطات.

تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۳) *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.

دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵) *بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

دلواله، پیترو. (۱۳۷۰) *سفرنامه پیترو دلواله*، قسمت مربوط به ایران، ترجمه و شرح و حواشی از شجاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ریاحی، محمدامین. (۱۳۶۸) *سفرنامه‌های ایران*، تهران: طوس.

سفرنامه برادران شرلی. (۱۳۶۲) ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران، نگاه.

سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی). (۱۳۷۷) ترجمه محمد

مه‌ریار، اصفهان: گلها.

سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، آنتونی جنکینسون و دیگران. (۱۳۹۶) ترجمه دکتر

ساسان طهماسبی، تهران: مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک.

سه سفرنامه رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تزرو و میکائیل ممبره (از زمان سلطان سنجر

و اوایل صفویه). (۱۳۹۳) ترجمه و تحقیق: حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بنیاد موقوفات

دکتر محمود افشار.

شاردن، ژان. (۱۳۳۸) سیاحتنامه ایران. ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.

فاروقی، فواد. (۱۳۶۱) سیری در سفرنامه‌ها، تهران، عطایی.

فرهنگ ایران زمین. (۱۳۳۹) «سفرنامه استودارت»، ج ۸، ترجمه احمد توکلی، تهران.

فلور، ویلم. (۲۵۳۶ شاهنشاهی) اولین سفرا ایران و هلند، شرح سفر «موسی بیگ» سفیر شاه

عباس به هلند و سفرنامه «یان اسمیت» سفیر هلند در ایران، به کوشش داریوش مجلسی و

حسین ابوترابیان، تهران: طهوری.

فن دریابل، ژرژ تکتاندر. (۱۳۵۱) ایت‌رپرسیکوم «گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول»

ترجمه محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

فیدالگو، گرگوریرا پیرا. (۱۳۵۷) گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین،

ترجمه پروین حکمت، تهران.

فیگوئرا، دن گارسیاد سیلوا. (۱۳۶۳) **سفرنامه**. ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶ شاهنشاهی) **سفرنامه کاتف**، ترجمه محمدصادق همایونفر، تهران: کتابخانه ملی.

کارری، جملی. (۱۳۴۸) **سفرنامه جملی کارری**، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کاررنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کروسیسنکی. (۱۳۶۳) **سفرنامه کروسیسنکی**، ترجمه عبدالرزاق دنبلی مفتون، مصحح مریم میراحمدی، تهران: طوس.

کمپفر، انگلبرت، **سفرنامه کمپفر**. (۱۳۶۳) ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی.

گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی. (۲۵۳۷ شاهنشاهی) ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوین، ترجمه پروین حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نظام الملک، سیر الملوک (سیاستنامه) (۱۳۴۰) به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Herbert, Thomas.(1928) Travels in Persia. Abridged and edited by Sir William Foster. Published by George Routledge and Sons LTD. London.